چرا جوکر ۱۴۰۱ اصلا مستند نیست؟

مواجهه کمیک با تراژدی ۱۴۰۱

میلاد جلیل‌زاده
خبرنگار گروه فرهنگ

به طور قطع اگر کسی می‌خواهد یک مستند سینمایی بسازد، شرط اول قدم آن است که بداند مستند سینمایی چیست. شما یا می‌خواهید یک ایده را بازنمایی کنید و حرفی که در ظاهر ممکن است مقبولیت هم نداشته باشد را به کرسی بنشانید یا می‌خواهید به ثبت واقعیات یک دوره تاریخی یا یک منطقه جغرافیایی یا چیزی شبیه آنها بپردازید. بنابراین به یک دال مرکزی در گفتمان مستند نیاز است. باید معلوم باشد که سازنده اثر از اثرش چه می‌خواهد و آنگاه مرحله اول نقادی این است که ببینیم آیا او در نیت خودش موفق بوده یا نه. مشکل اول مستندی که محمدحسین شمقدری درباره اعتراضات اخیر در سال ۱۴۰۱ ساخته این است که تکلیفش را با خودش روشن نکرده و معلوم نیست که چه می‌خواهد بگوید. چند تا دوربین مخفی به هم نامربوط، چند متلک سیاسی که با هم تناقض دارند، چند تا مصاحبه با آدم‌هایی که تنها ویژگی مشترک‌شان عجیب بودن است و خرده تصاویری از اتفاقات روز، کنار هم چیده شده‌اند تا این مستند شکل بگیرد. خانمی که تیپ و ظاهر او یا ظاهری که معمولا از مدافعان سرسخت نظام دیده شده متفاوت است، جلوی محجری این مستند می‌نشیند و طوری از زیر و بم نظام دفاع می‌کند که حتی لحن آن ممکن است بی‌منطق به نظر برسد. از پشت صحنه یکی از عوامل اعتراض سنگینی به نظام می‌کند و این خانم در جایگاه مدافع ظاهر می‌شود. خانم دیگری که ظاهرا کشف حجاب کرده بود و اطراف میدان آزادی قدم می‌زد از متلک‌پرانی محجری مستند عصبانی می‌شود و اعتراض می‌کند. بعد به او می‌گویند که دوربین مخفی بوده و این محجری به همراه شمقدری جلویش می‌نشینند و بحث می‌کنند. همین خانم طرف یک مناظره با محجری مستند می‌شود و از نظام دفاع می‌کند درحالی که محجری نقدش می‌کند. صحنه‌ای در فیلم هست که عوامل آن می‌روند و در گوشه پرتی از شهر، سطل آشغالی را واژگون می‌کنند و می‌خواهند یک اعتراض را شبیه‌سازی کنند. آخر سر همین صحنه گنگ و مغشوش هم بلاتکلیف می‌ماند و معلوم نمی‌شود که از ابتدا برای چه منظوری ضبط شد؟! بعد دوربین سراغ این و آن چهره شناخته شده می‌رود و مصاحبه‌های بسیار کوتاهی می‌کند که اکثرا سر و ته چندانی ندارند و به بافت اصلی اثر، اگر چنین بافتی وجود داشته باشد، ربطی ندارند.

دوربین وسط اعتراضات دانشگاه شریف هم می‌رود و همان جا یک کل کل ریز و سریایی با زاکانی، شهردار تهران هم به‌راه می‌اندازد. بعد از آنجا که رویدادها و تصاویر مستند کاملا متشتت و به هم نامربوط بودند و می‌شد همین تکه‌پاره‌ها را تا ابد ادامه داد، مجری مستند درحالی که زیر برف راه می‌رود، یک پلاتوی طولانی می‌گوید تا لااقل ته این اثر حرفی زده باشد و یک جمع‌بندی داشته باشد. آخر سر هم یک نریشن پدرانه و توصیه‌گرانه و تمام.

مشکل اصلی آخرین مستند محمدحسین شمقدری تقریبا همان چیزی است که در کارهای دیگر هم وجود دارد. او شرط اول قدم را رعایت نمی‌کند و درنظر نمی‌گیرد که اصولا مستند سینمایی چیست و چه معنایی دارد؟ شمقدری معمولا چیزهایی می‌سازد که یکی‌دو تکه جنجال‌برانگیز از آنها قابلیت دستگرد‌ان شدن در فضای مجازی را داشته باشد. انگار اساسا فیلم را برای اینکه یکی‌دو تکه جنجال‌برانگیز از درونش قابل استخراج باشد، ساخته‌اند که همین هم هست. شمقدری مستندهایش را برای تیزرهایش می‌سازد؛ مثل روزنامه‌نگاری که متن را طوری می‌نویسد که خوب و برنگ شکلی جنجال‌برانگیز تیتر بخورد و باقی محتوا و فرم نوشته برایش اهمیت ندارد. مستند «جوکر ۱۴۰۱» بیشتر شبیه یک‌سری توییت پراکنده درباره اتفاقات اخیر است. دقت کنیم که حتی با رشته توییت و متن‌های به هم مربوط هم طرف نیستیم، بلکه با اظهارنظر و متلک پراکنی‌های جداگانه که موضوع نسبتا واحدی دارند طرفیم. فرق شمقدری با باقی بچه‌های توییتر این است که او پول و امکانات و پارتی دارد و می‌تواند برای بصری کردن توییت‌هایش جماعتی را جمع کند که کار را برایش ضبط کنند و دربیاورند و بعد اینها تدوین شود.

کولاژی از متلک‌های لوس

معین احمدیان
دبیر گروه فرهنگ

دو روز پیش، جشنواره سینما حقیقت تمام شد و طبیعتا به دلیل نزدیکی زمان فراخوان جشنواره به اتفاقات امروز ایران، مستندی ندیدیم که متصل به مهم‌ترین وقایع اجتماعی ۱۴۰۱ ساخته و پرداخته شده باشد. اما می‌شود اظهار امیدواری کرد که آوردگاه مستندسازان در حقیقت ۱۴۰۲، محلی برای رونمایی از مستندهایی مهم در این موضوع باشد. البته که بعد از تماشای کاری تحت عنوان «جوکر ۱۴۰۱» ضرورت ساخت مستندهای عمیق با این موضوع بیشتر حس می‌شود؛ مستندهایی که حداقل مثل این کاری که حسین شمقدری ساخته، اینقدر سطحی و کم‌مایه به اتفاقات پیرامونی نپردازد. ظاهر امر این است که شمقدری در ورود به مساله، جسارت به خرج داده اما نتیجه نه‌تنها عاری از شجاعت در پرداخت است بلکه روایتی کمیک از تراژیک‌ترین اتفاق اجتماعی ۱۴۰۱ را شاهدیم. هول‌هولی‌سازی «جوکر ۱۴۰۱»، بیشترین آسیب را به کار زده است. به نظر می‌رسد همه‌چیز روی دور تند ساخته شده، از انتخاب کارشناسان گرفته تا کنار هم چیدن حرف‌هایشان و حتی بازسازی برخی از صحنه‌های اغتشاشات. آنقدر مغشوش و بی‌مبنا همه‌چیز جلو می‌رود که حین تماشا بارها از خودتان می‌پرسید که اصلا چه ضرورتی داشته که مستندساز سراغ چنین سوژه‌ای برود. با طراحی منسجم و حساب‌شده‌ای برای این کار طرف نیستید و کولاژی از چند متلک لوس سیاسی، چندتایی هم جنجال به‌راه انداختن تصنعی و بگومگوهای سطحی که بهتر و بیشتر را می‌شود در شبکه‌های اجتماعی پیدا کرد. آخرین ساخته حسین شمقدری حتی در حد پست‌های اینستاگرامی خودش هم نیست. او مهره‌ام اسال درخصوص حمله به دانشجویان دانشگاه شریف و به واسطه اینکه روزگاری دانشجوی این دانشگاه بوده، یک لایو خوب رفت و اتفاقا شرح ماوقع او آنقدر کم‌نقص می‌نمود که در اینستاگرام دست‌به‌دست شد، اما «جوکر ۱۴۰۱» حتی اندازه همان لایو هم کارکرد ندارد و نسبت به آن چیزی که می‌خواهد بگوید موفق نیست.

سازندگان «جوکر ۱۴۰۱» با هر قصدی سراغ این سوژه رفته باشند، نتیجه‌اش یک کار ده‌دستی و شلخته از آب درآمده است. تقلیل اتفاقات و ساده‌انگاری در تحلیل مهم‌ترین رخداد اجتماعی امسال، نتیجه وضعی این مدل مستند ساختن است. این را هم درنظر بگیرد که هنوز فضای مستندسازی ایران، همچون سازندگان این کار امکان و فرصت ورود به این مساله مهم را نیافته و احتمالا این جنس بنجل، تا مدت‌ها تبدیل به گوهری برای یاسخ به ابهامات و اتفاقات امروز ایران باشد. آنچه در عرصه عمومی گرفتارش هستیم خلأ روایت و استدلال نسبت به وقایع امروز ایران است. مستندهایی که علاوه‌بر طراحی نظام‌مند در روایت یک پدیده، بتوانند جمیع لوازم روایت را به کار گیرد. بتواند جمع بیشتری از کارشناسان اجتماعی را به استخدام روایتش درآورد، نه‌اینکه به چند ژورنالیست فضای مجازی اکتفا کند. و اگر قرار است دوگانه انقلابی و ضدانقلابی را در قالب کاراکترهایی به نمایش بگذارد، دست به نمایش تصنعی نزند. اگر هم نسبت به فروپاشی اجتماعی امروز ایران هشدار می‌دهد، توقع این است که گزاره‌ها و مصادیق آن را به جدی‌ترین شکل ممکن به تصویر بکشد، نه‌اینکه در حد کلماتی کنار هم چیده شده به خورد مخاطب بدهد.

البته انتظار نیست که «جوکر ۱۴۰۱» پاسخ همه ابهامات امروز جامعه ایران را بدهد اما این توقع زیادی نیست که در طرح مساله خودش توانا باشد، کاری که باید تصاویر انجام دهند اما به گردن راوی و متن نریشن افتاده است. این توقع زیادی نیست که اگر مساله‌ای را طرح کرد، مخاطبش را هم با کمک تصاویر، به سمت راه‌حل یا حداقل دریافت مساله هدایت کند. اما همه‌چیز گویی و ادعای پاسخ‌دادن به مسائل متعدد، آفتی است که به جان «جوکر ۱۴۰۱» افتاده است. ظاهرا این آفت از دل شبکه‌های اجتماعی بیرون آمده و به جان این کار افتاده است. مثل همه این آدم‌ها و فکت‌هایی که از دنیای مجازی بیرون آمدند و در این کار تصویری به خط شدند.

ادامه از صفحه ۱۲

تمام شد؟ خیلی تاثیرگذار بود...

عاطفه جعفری
خبرنگار گروه فرهنگ

«روی پیشانی ما نوشته انقلابی، حتی عموی من شهید شده و حالا من اینجا کنار قبر عمویم نشسته‌ام درحالی که به این فکر می‌کنم که همه این سال‌ها مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل بیشتر و بیشتر امروز من را از این نظام متنفر کرده است. امروز من عصبانی‌ام، با همه گذشته خودم می‌جنگم و الگوی من جوکر است، جوکری که قراره بجنگه، بیدار بشه و انقلاب کنه. هنوز احساس می‌کنم ذهنم آرام نگرفته، دلم می‌خواهد با همه ارزش‌هایی که در همه این سال‌ها در مغز من کرده‌اند و شعار مرگ داده‌اند با همه وجود به سبک جوکر مبارزه کنم... ؛ شاید ورودیه جذابی برای یک مستند باشد و تعدادی از مخاطبان را با خود همراه کند، اما در همان شروع و دیدن شبیه‌سازی‌های جوکر، مخاطب کمی دل‌زده می‌شود.

در سینمای مدرن با پست‌مدرن داستانی، تعیین هدف محلی از اعراب ندارد. با این وجود هنوز سینمای مستند، سینمای هدف‌گرایی است. مستند، سینمای آگاهی است. طرح روشن و شفاف از هدف مستند، در ساختارشناسی مستندساز از فیلمی که می‌خواهد بسازد، بسیار مفید و موثر است. تعیین هدف فیلم، مسیرهای رسیدن به هدف را مشخص می‌کند و از گرفتن تصاویر اضافه جلوگیری خواهد کرد. این تصور که باید در مستندسازی، همین‌طور فیلم بگیریم تا بالاخره روزی روی میز تدوین شاید به کار بیاید، حرف غیرکارشناسی است. بیشتر این حرف از لسان و ذهن کسانی صادر می‌شود که یا تازه کار هستند یا فقط فیلم‌های مستند زیادی دیده‌اند و به اشتباه خیال کرده‌اند که دست کم منتقد سینما هستند. وقتی هدف مشخص می‌شود دیگر آن جمله بی‌اساس «دوربین را بردار یم و...» استفاده نمی‌شود.

در طرح یک فیلم مستند باید تکلیف یک‌سری از موارد روشن باشد: انگیزه فیلمساز برای تولید این فیلم چیست و چرا ساختن آن را مهم می‌داند؟ نگاه فیلمساز به موضوع چیست و چه می‌خواهد بگوید یا چه مکاشفه‌ای را می‌خواهد دنبال کند؟ ایده‌خاص فیلم چیست؟ این نکته‌ها باید فیلم چگونه به حرکت درمی‌آید و در چه مسیری پیش می‌رود؟ (روایت و مسیر کلی و توجیهات تصویری مشخص‌تر فیلمساز). صحنه‌های کلیدی فیلم کدامند و ما را از کجا به کجایی می‌برند؟ مخاطب فیلم کیست؟ چه نوع مستندی ساخته خواهد شد (مستند مستقیم، چالشگر، بازسازی، تجربی، ترکیبی...) و اینکه راوی فیلم چه کسی است و چه رابطه‌ای با موضوع و شخصیت‌های فیلم دارد؟ (فیلم از منظر چه کسی است؟)

همه این موارد اگر مشخص باشد، آن‌وقت مستند می‌تواند تمام حرف‌هایی را که کارگردان در ذهنش برای ساخت داشته است به مخاطب منتقل کند. اما در مستند «جوکر ۱۴۰۱» با همه چیز روبه‌رو هستیم جز مستند! انگار کارگردان هیچ هدف و طراحی برای ساخت مستند نداشته است و فقط خواسته چیزی بسازد. وقتی به اعتراضات چندماه اخیر نگاهی می‌اندازیم، برخی از بخش‌ها گل درشت و پررنگ در ذهن‌ها باقی مانده است. مثل آتش زدن سطل آشغال‌ها. یا اینکه در روزهایی که اعتصابات سراسری اعلام می‌شد، برخی با تهدید خواهان بسته شدن مغازه‌ها بودند. یا شکلات و نامه دادن به مردم و... . شمقدری در این مستند همه این پرنگ‌های اجتماعی را پشت سر هم قرار داده، بدون اینکه نتیجه‌ای از آن بگیرد.

مطمئنا مستندسازی، ساده‌تر از ساختن فیلم داستانی نیست. چون همزمان باید دو کار که شاید در تقابل هم باشند را انجام داد. اولا باید براساس هدفی که در طرح فیلمنامه مشخص شده است پیش برویم. ثانیا قرار نیست اتفاقات و رخدادهای فیلم را مارقم بزنیم، زیرا جنبه مستند بودن فیلم از دست می‌رود. یکی از اشکالات این مستند همین است که کارگردان سعی کرده است از کسانی که در مستند حضور دارند، همین استفاده را بکند. مخصوصا راوی یا آن دو خانمی که از نظام دفاع می‌کنند، این را به مخاطب القا می‌کنند که در حال بازی هستند و همین باعث می‌شود تا مورد پذیرش قرار نگیرد.

راوی آنقدر تصنعی در جرگه ضدانقلاب قرار گرفته است و بازی‌هایش گل درشت است که بیشتر از آنکه راوی باشد، بازیگر نقش اول لقب می‌گیرد. همه اینها را وقتی کنار هم قرار می‌دهیم به این می‌رسیم که اثر جدید شمقدری بیشتر شبیه یک فیلم کوتاه (اگر بتوان اسمش را فیلم کوتاه هم گذاشت) است تا یک مستند.

یکی از ایرادات دیگر این مستند کسانی هستند که به عنوان کارشناس در آن حضور دارند. اولا که اصلا مشخص نیست این کارشناسان چرا انتخاب شده‌اند و بالاخره چه چیزی می‌خواهند بگویند. تکلیف مستندساز با این کارشناسان هم مشخص نیست. طبیعتا وقتی در یک مستند کارشناس حضور پیدا می‌کند تا تحلیلی از اوضاع داشته باشد، حرف‌هایش مبتنی بر یک نظریه است که خودش به آن اعتقاد دارد و برای همین انتخاب شده تا در مورد یک موضوع مشخص صحبت کند. اما حتی حضور مهدی نصیری و وحید اشتری در این مستند برای مخاطب مشخص نمی‌شود. یا این کارشناسان صحبت‌هایشان همین قدر کوتاه بوده است یا اینکه مستندساز نتوانسته یا نخواسته است که از صحبت‌هایشان استفاده کند.

روایت، یک آغاز و یک پایان دارد و همین واقعیت است که آن را به طور همزمان از بقیه جهان جدا می‌کند و در تقابل با جهان «واقعی» قرار می‌دهد. برخی از نشانه‌های روایت کردن به طور خاص به راوی (کسی که روایت می‌کند) مربوط است. برخی به روایت شنو (کسی که راوی برای او روایت می‌کند) و برخی به روایت‌گری روای (کنش روایت کردن راوی) برمی‌گردد.

در مستند شمقدری، راوی‌ای وجود دارد که می‌خواهیم روایت اغتشاشات را از زبان او بشنویم و ببینیم اما ایستادن راوی از همان ابتدا به قول خودش در صف معترضان و بازی‌هایی که دارد، مخصوصا در مصاحبه‌ها به هیچ‌وجه مخاطب را قانع نمی‌کند. انگار مستند روی یک دور تند قرار دارد و راوی که خودش اعتراض دارد در پایان مستند یک بیانیه می‌خواند و همه اعتراض‌هایی که داشته را زیر سوال می‌برد! همین خواندن نریشن یا بیانیه آخر مستند یکی از نقاط پر از سوال است که چرا باید با این نریشن به پایان برسد؟ تنها چیزی که می‌توان در پایان مستند عنوان کرد جمله معروف این روزهای فضای مجازی است: «تمام شد؟ تاثیرگذار بود...»

حسین شمقدری در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

باسابقه هستیم و حاکمیت به ما اعتماد می‌کند

مستند «جوکر ۱۴۰۱» تازه‌ترین ساخته حسین شمقدری چند روزی است که در معرض نمایش عمومی قرار گرفته است. طی سه ماه گذشته، جامعه ایران شاهد یکی از مهم‌ترین اتفاقات سیاسی و اجتماعی سال‌های اخیر بوده و حسین شمقدری در کار جدیدش قرار است در این باره با مخاطبانش حرف بزند. برای اینکه از فرآیند ساخت و طراحی مستند بدانیم به سراغ شمقدری رفتیم. گفت‌وگوی «فرهیختگان» با کارگردان جوکر ۱۴۰۱ را بخوانید.

!!!

در تحلیل وقایع اخیر، کارشناسان حوزه اجتماعی نظرات متفاوتی دارند. یکی وضعیت موجود را نتیجه انسداد سیاسی می‌داند، یکی حاصل اعتراض زنان نسبت به بی‌عدالتی‌ها و دیگرانی هم خشم حاصل از نسلی که عنوان نسل Z گرفتند. البته نظرات در این خصوص متنوع است و از نظرگاه‌های مختلفی تحلیل می‌شود. انتخاب کارشناسانی که جلوی دوربین رفتند، گستردگی و پراکندگی لازم را ندارند و نهایتا به مهدی نصیری و وحید اشتری محدود می‌شود. چرا سراغ کارشناسان بیشتری نرفتید؟

من دوست داشتم روی قشر خاکستری تاثیر بگذارم و کارشناسان مذهبی و طرفدار نظام شاید آن اثرگذاری را نداشته باشند برای همین سراغ کارشناسانی رفتم که جنبه مخالفت بیشتری دارند و با آنها صحبت کردم. انتخاب این دو نفر هم به این دلیل بود و جا داشت که سراغ دیگرانی هم می‌رفتیم اما متناسب با ظرفیت مستند و در این زمان کوتاهی که داشتیم، به این دو کارشناس بسنده کردیم و فکر می‌کنم همین باعث می‌شود تا قشر خاکستری اعتماد بیشتری داشته باشند.

ایده محوری مستند جوکر ۱۴۰۱ چیست و بر اساس چه ایده‌ای بخش‌های این مستند را طراحی کردید؟

ما اولین جلسه مستند را یک ماه پیش گذاشتیم و با بچه‌ها در مورد این موضوع صحبت کردیم و دیدیم ما بین خودمان اختلاف نظر داریم. مثلا هاشم باقفی خیلی مخالف بود و من موافق نظام بودم. در بین تیم هم این طور بود و موافق و مخالف داشتیم. برای همین تصمیم گرفتیم که با همین تیم مستند را بسازیم و نشان دهیم که می‌شود با این مدل که دو طرف باشند مستند را ساخت و جوری بسازیم که هر دو طیف دیده شوند. اتفاقا از یک شخصیت جوکر استفاده می‌کنیم که مخالف است و هاشم باقفی می‌آید و نقش اعتراض را انجام می‌دهد و من هم نقش خودم را داشتم.

جزء اولین مستندسازانی هستید که نسبت به وقایع اجتماعی امسال کاری ساخته است. نزدیکی شما به وقایع چه دشواری‌هایی داشت و مانع از این نبود که نگاه جامعی به اتفاقات داشته باشید؟ فکر نمی‌کنید اگر از این اتفاقات فاصله می‌گرفتید، نگاه و تحلیل شما متفاوت از این چیزی بود که ارائه شد.

در این مدت به دلیل شرایط امنیتی که در شهر بود چندین بار دستگیر شدیم؛ دوربین‌مان را گرفتند، یکی از بچه‌ها تیر خورد. این اتفاق‌ها افتاد و طبعا اگر زمان می‌گذشت می‌توانستیم تحلیل‌های عمیق‌تری داشته باشیم. اما به نسبت زمانی که داشتیم کار به موقعی بود. چا دارد که در زمان‌های دیگر هم مستندهایی در مورد این موضوع ساخته شود، چند ماه دیگر هم می‌توان به این موضوع پرداخت.

ساخت چنین مستندی در این شرایط نیازمند این است که در حلقه امنی از تولید قرار داشته باشید. چگونه این امکان برای شما فراهم شده است؟

ما گروه‌مان شناخته‌شده است و همه‌مان را می‌شناسند. خودمان و حسن نیت‌مان را نشان داده‌ایم و هویت‌مان مشخص است. چیزی به نام حلقه امن وجود ندارد، صرفا همین که باسابقه هستیم معمولا حاکمیت و دستگاه‌ها به ما اعتماد می‌کنند مستندمان دلسوزانه است و اگر نقدی هم انجام می‌دهیم از روی دلسوزی است و همین باعث می‌شود بتوانیم فعالیت کنیم و مستند بسازیم.

ازجمله انتقاداتی که در خصوص این مستند و البته مستندهای اخیر شما مطرح می‌شود این که شمقدری به جای تحلیل گسل‌های اجتماعی، بیشتر توصیف‌کننده وضعیت موجود است. آیا این نقد را قبول دارید؟ و اگر قبول دارید به معنای این است که نسبت به اتفاقات تحلیلی ندارید؟

اتفاقا مانگاه تحلیلی در این مستند داشتیم و تحلیل‌مان این بود که بایستی به حق اعتراض رسیدت داده شود. تحلیل‌مان این بود که اعتراضات به مسیر اشتباهی رفت و همین هم کار را دچار مشکل کرد. مستند ما چون تجربی است سعی می‌کنیم سوژه‌ها را با همین تجربه به دست بیاوریم. بعضی‌ها اعتراض دارند که برخی کارشناسان باید برای بیان مسائل در مستند بیایند. تا مستند نگاه علمی به خودش نگیرد شاید حس مستند به آنها دست ندهد. اتفاقا مستند ما مستند تجربی است، مستند تجربی حرفش را با وقایع و تجربه‌ها می‌زند و وقتی به این سبک حرف زده شود مخاطب این رابیشتر دوست دارد و جذاب‌تر است. پس قطعا تحلیل وجود دارد اما در قالب یک مستند تجربی.

چارسو

مهران رجبی مجری شب یلدا شد

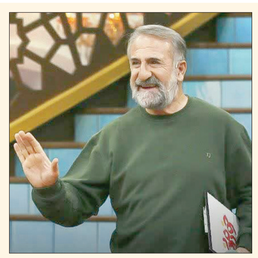

حامد خانی، تهیه‌کننده برنامه «خودمونی» که قرار است در شب یلدا در قالب یک ویژه‌برنامه روی آنتن شبکه سه برود، درباره تدارک این برنامه گفت: «این ویژه‌برنامه یلدایی قرار است ۲۹ و ۳۰ آذر از ساعت ۲۱ تا ساعت ۲۴ روی آنتن برود و آیتم‌های مختلفی هم دارد. در بخشی هم میزبان هنرمندان و خوانندگان هستیم. کلیات کار حضور میهمانان ویژه است، حافظ خوانی داریم و همین اتفاقات مرسوم و معمول در این ایام را خواهیم داشت.» این تهیه‌کننده در بخش دیگر درباره مجری این برنامه بیان کرد: «حواشی‌ای را که می‌گویید برای آقای رجبی ایجاد کردند، وگرنه خودش که زندگی‌اش را می‌کرد. مهران رجبی چهره‌ای محبوب است. مردم خیلی نسبت به حضور مهران رجبی مشتاق و همراه هستند. البته یک سری از مردم هم احتمالا واکنش‌هایی در نقد حضور او داشته‌اند.» خانی درباره اینکه احتمال دارد این حواشی به تغییر مجری منتهی شود، اظهار کرد: «ما که بشدت از مهران رجبی راضی هستیم. تا آخر این فصل قطعا با او خواهیم بود تا در فصل‌های آینده ببینیم چه می‌شود.» این تهیه‌کننده در پایان درباره اینکه با توجه به شرایط این روزها، چالشی در دعوت از هنرمندان داشته‌اند یا خیر هم عنوان کرد: «طبیعتا برخی از هنرمندان هستند که موضع دارند و علیه نظام مسائلی را مطرح و طبیعتا راهشان را به نوعی جدا کرده‌اند. ما سمت این قشر نمی‌رویم اما برخی از عزیزان هستند که موضعی ندارند و همواره همراه بوده‌اند، سعی داریم از این قشر دعوت کنیم. اینها هم تا امروز فحش‌شان را خورده‌اند. بابت اینکه با آن گروه اول همراهی نکرده‌اند، اما خودشان بابت حضور در تلویزیون مشکلی ندارند.»

اعتبار اولیه برای تولید سریال حضرت موسی (ع) تامین شد

پیمان جبلی، رئیس صداوسیما درخصوص تولید مجموعه تلویزیونی «حضرت موسی» گفت: «صداوسیما از سال‌های پیش سعی کرد سریال «حضرت موسی (ع)» را آغاز کند، خوشبختانه در این دوره و به‌ویژه ماه‌های اخیر حرکت بسیار خوبی را در ارتباط با به سرانجام رسیدن این سریال در صداوسیما انجام دادیم. آقای حاتمی کیا و تهیه‌کننده سریال خوشبختانه کارشان را پیش می‌برند و مشکلی هم نیست.» وی درباره تخصیص بودجه و اعتبار به سریال، خاطرنشان کرد: «مواردی که در پرداخت‌های اولیه نیاز بود تخصیص داده شود تخصیص داده‌ایم، بحمدالله کارهای مربوط به سریال «موسی (ع)» طبق پیش‌بینی، پیش می‌رود؛ اگرچه این پروژه خیلی دیر آغاز شد و سال‌های قبل باید شروع می‌شد. هر چقدر کارهای تاریخی و فاخر مثل سریال «حضرت موسی (ع)» دیرتر شروع شود هزینه‌هایش هم بیشتر خواهد شد.» جبلی تاکید کرد: «اگرچه این گونه سریال‌ها هزینه‌های سنگینی دارند اما ما به جهت اهمیت این گونه آثار نمایشی، همزمان دو سریال الف ویژه فاخر را یکی سریال اسلمان فارسی و دیگری «حضرت موسی (ع)» را اجرا می‌کنیم، کار سختی است اما امیدوارم درست و اصولی به سرمنزل مقصود برسند.» او در ادامه با درخواست از حمایت مالی دولت و مجلس درباره سریال‌های فاخر خصوصا مجموعه حضرت موسی (ع)، خاطرنشان کرد: «خوشبختانه مراحل تزریق اعتبار اولیه به سریال حضرت موسی (ع) اتفاق افتاده است و خوشبختانه این سریال طبق برنامه پیش می‌رود و امیدوارم به مشکلی نخوریم. سال جاری ما تا حدودی از حمایت‌های بودجه‌ای برای این دو سریال برخوردار شدیم اگرچه کافی نبود، امیدوارم برای سال آینده هم دولت محترم و نمایندگان مجلس شورای اسلامی حمایت ویژه‌ای داشته باشند تا این دو کار ویژه فاخر دچار وقفه نشوند.»

«آواتار: راه آب» چقدر در گیشه جهانی می‌فروشد؟

قسمت دوم فیلم «آواتار: راه آب» اکران خود را در سینماهای جهان آغاز کرد. فیلمی به کارگردانی جیمز کامرون که قسمت اول آن توانست با فروش ۳ میلیارد دلاری در جهان با بودجه ۲۵۰ تا ۳۰۰ میلیون دلاری، عنوان پرفروش‌ترین فیلم تاریخ سینمای دنیا را به دست آورد؛ هرچند که همین فیلم در آمریکا به‌عنوان پرفروش‌ترین فیلم شناخته نمی‌شود بلکه فیلم «جنگ ستارگان: نیرو برمی‌خیزد» در آمریکا به تنهایی پرفروش‌ترین است.

تا الان فروش دقیق «آواتار ۲» در آمریکا اعلام نشده است اما با تخمین‌های زده‌شده، این فیلم باید در افتتاحیه خود در پایان هفته آمریکا، بین ۱۵۰ تا ۱۷۵ میلیون دلار در سینماهای آمریکای شمالی بفروشد.

البته همان طور که «آواتار» با تکیه بر فروش جهانی خود توانست پرفروش‌ترین فیلم تاریخ سینما شود، این قسمت نیز با نظر به فروش در کشورهای دیگر دنیا، تصمیم دارد فروش بالایی را کسب کند. این گونه که تحلیلگران باکس‌آفیس جهانی می‌گویند، این فیلم در مرزهای خارج از آمریکا می‌تواند بین ۲۵۰ تا ۳۵۰ میلیون دلار فروش کند و فروش جهانی خود را بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ میلیون دلار افزایش دهد. اما در میان تمام بازارهای جهانی این کشور چین است که مهم‌ترین بازار خارجی برای این فیلم به حساب می‌آید. طبق تحلیل برخی از شرکت‌های تحلیل باکس‌آفیس چینی، این فیلم در این کشور به ۳۵۷ میلیون دلار دست پیدا خواهد کرد. در حال حاضر این فیلم در افتتاحیه خود در چین و اکران پنجشنبه و جمعه توانسته ۲۹ میلیون دلار درآمد داشته باشد.

فرخ‌نژاد پروژه تحریم جشنواره فجر را کلید زد

حمید فرخ‌نژاد، بازیگر سینما و تلویزیون که به تازگی به آمریکا مهاجرت کرده، با پست‌ها و استوری‌هایی که در صفحه اینستاگرامش منتشر کرده سوژه رسانه‌ها شده است. این بازیگر تا ۵ روز پیش در ایران بود و طی یک ماه گذشته چهار و نیم میلیارد تومان از پروژه‌های مختلفش کسب درآمد کرده است. حالا بیانیه‌نویسی‌های اخیر این بازیگر که احتمالا در یک پروژه امنیتی و سیاسی تعریف می‌شود منجر به مشکلاتی برای نمایش پروژه‌هایی می‌شود که در آن حضور داشته است. فرخ‌نژاد تا ساعات پایانی حضورش در کشور، مشغول بازی در سریال «سقوط» بود که توسط فیلیمو در دست تولید است. وی به‌خوبی مطلع است که اظهارنظرهای شخصی در مسائل سیاسی و اجتماعی، تا چه اندازه می‌تواند سرنوشت پروژه‌ها را به خطر بیندازد. اما با مطالبی که منتشر کرده نه‌تنها برای سریال «سقوط» محدودیت‌های احتمالی ایجاد خواهد شد بلکه برای آثار دیگرش مثل «زنبور کارگر» و «ملاقات با جادوگر» که در نوبت نمایش هستند هم گرفتاری‌هایی به وجود خواهد آمد.

اما حالا پروژه جدیدی را شروع کرده و با انتشار پستی رفتن به جشنواره فیلم فجر را تحریم کرده است. این اولین باری نیست که فرخ‌نژاد دست به چنین اقدامی می‌زند، در زمستان ۹۸ و در پی حادثه سقوط هواپیمای اوکراینی جمعی از هنرمندان، اعلام کردند که از شرکت در جشنواره فجر انصراف می‌دهند، فرخ‌نژاد هم یکی از این چهره‌ها بود که با وجود آنکه هیچ فیلمی در جشنواره آن سال نداشت و طبیعتا در آن ایام، در هیچ سینمای جشنواره حاضر نمی‌شد، اعلام کرد که این رویداد را تحریم کرده است.

ادامه در صفحه ۱۳